

# مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر (ص) و گستره دانش تفسیری آنان\*

□ علی اکبر بابایی

استاد یار پژوهشکده حوزه و دانشگاه

## چکیده

قرآن کریم کلام پروردگار متعال و دارای محکم و متشابه و ظاهر و باطن است و برای دستیابی به بخشی از معانی باطنی و معارف عمیق آن، نیازمند به تبیین نبی اکرم (ص) است. از این رو، یکی از شئون آن حضرت تبیین و تفسیر قرآن کریم بوده است. ولی آیا خدای متعال پس از رسول خدا (ص) نیز برای کتابش مفسرانی را برگزیده است تا معانی باطنی و معارف عمیق آیات را برای بندگانش بیان کنند یا خیر؟

در این مقاله با استناد به آیات و روایات اثبات می شود که بعد از رسول خدا (ص) نیز دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت، مفسران برگزیده خدا و مصون از خطا بوده اند و هر معنایی را که برای آیات بیان کرده اند حق، مطابق با واقع و عینا همان معنایی است که خدای متعال از کتابش اراده فرموده است. سپس به نمونه ای از تفسیر آنان اشاره شده و به این نکته توجه داده می شود که بخش عظیمی از تفسیرهای آنان به ما نرسیده است و بخشی از تفسیرهایی که از آنان نقل و به ما رسیده است، سند معتبر ندارد. ولی دانش و توان تفسیری آنان، از آثار تفسیری نقل شده از آنان و حتی از تفسیرهایی که بیان کرده اند و به ما نرسیده است، بسیار عمیق تر و گسترده تر است.

**کلید واژه ها:** تفسیر قرآن، شیعه، مفسران برگزیده خدا، دانش تفسیری امامان معصوم.

\* وصول: ۱۳۸۸/۴/۱۳؛ تصویب: ۱۳۸۸/۵/۳۱.

## طرح مسئله

معارف، علوم و احکامی که قرآن بر آن دلالت یا اشارت دارد، از جهت ظهور و خفای دلالت آیات و سهولت و صعوبت فهم آن از الفاظ و عبارات سطوح و مراتب مختلفی دارند. فهم مرتبه‌ای از معانی و اندرزهای آن برای همگان آسان است و آیه «ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (قمر: ۴، ۳۲، ۲۲، ۱۷) و نظائر آن (دخان: ۵۸؛ مریم: ۹۷) به این مرتبه اشاره دارد. مرتبه‌ای از معانی و معارف آن را نیز کسانی که مقدمات لازم و علوم پیش نیاز تفسیر را تحصیل کرده باشند، می‌توانند تفسیر و تبیین کنند و تفاسیری که تاکنون برای قرآن کریم نوشته‌اند و بخشی از معانی و مطالب آن را تفسیر کرده‌اند گواه این مدعاست. آیاتی مانند «کتاب أنزلناه إليك مبکراً لیدبروا آیاتهی ولیتذکر أولوا الالباب» (ص: ۲۹)، «أفلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب أفقاها» (محمد(ص): ۲۴) به فهم این مرتبه ترغیب می‌کند. برای رسیدن به مرتبه‌ای از معانی پنهان و معارف عمیق آن و روشن شدن قیود و جزئیات احکامی که در آن سر بسته بیان شده به تعلیم و تبیین پیامبر اکرم(ص) نیاز است. آیاتی مانند «...وأنزلنا إلیک الذکر لتبیین للناس ما نزل إلیهم...» (نحل، ۴۴) «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیتهی ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمة...» (جمعه، ۲) دلالت می‌کند که خدای متعال یکی از رسالت‌های پیامبر(ص) را تبیین و تعلیم قرآن کریم قرار داده است. از این رو، می‌توان عنوان «مفسر برگزیده خدا» را در مورد آن حضرت به کار برد.

این مطلب روشن و مورد اتفاق مسلمانان است، ولی آیا بعد از رسول خدا(ص) نیز مفسرانی برگزیده خدا، آگاه به همه معانی قرآن، توانا بر تفسیر تمام آیات و معانی و معارف آن وجود داشته‌اند که هر تفسیر و معنایی را که برای آیات بیان کنند

مطابق واقع و مورد تأیید و امضای خدای متعال باشد یا خیر؟ در این مطلب اختلاف وجود دارد: شیعه به آن اعتقاد دارد و اهل تسنن مخالف آن است. این مقاله در تحقیق این مسئله فراهم آمده است و مطالب آن در دو محور بیان می‌شود:

۱. مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر(ص)

۲. گستره دانش تفسیری مفسران برگزیده

### ۱. مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر(ص)

شیعه با استناد به نصوص فراوانی که در کتابهای شیعه و سنی نقل شده، بر این باورند که پیامبر(ص) به فرمان خدا دوازده نفر را به عنوان جانشینان خود و رهبران امت معرفی کرده است. آنان به همه معانی و معارف قرآن و احکام دین آگاه و از هر گناه و خطایی مصون بوده‌اند. خدا آنان را برگزیده است تا پس از پیامبر(ص) کارهای آن حضرت را، به جز دریافت وحی نبوت که دیگر به آن نیازی نیست، عهده دار شوند. یکی از آن کارها تفسیر و تبیین قرآن کریم است که آنان پس از پیامبر(ص) عهده‌دار آن شده‌اند. آنان همانند پیامبر(ص) بر تفسیر همه آیات قرآن توانا و در فهم معنا و مفاد آیات از هر خطایی مصون بوده‌اند و تفسیر و تبیینهای آنان راجع به آیات قرآن همانند تفسیر و تبیینهای پیامبر، مطابق واقع و مورد تأیید و امضای خدای متعال است. به خلاف شیعه، اهل تسنن چنین اعتقادی ندارند و آنان را مفسران برگزیده خدا نمی‌دانند، از میان آنان فقط امام علی(ع) را از مفسران صحابه به شمار می‌آورند و سایر امامان معصوم: را حتی در شمار مفسران نیز ذکر نکرده‌اند. (سیوطی، الاتقان ۱۴۰۷: ۱۲۲۷/۲ - ۱۲۳۵؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون بی تا: ۶۳/۲ - ۱۲۷).

بر اعتقاد شیعه به وجوهی می‌توان استدلال کرد:

### الف) حکمت خدا و نصوص امامت

افرادی که با عظمت قرآن و تفسیرهایی که برای آن پدید آمده آشنا باشند، به خوبی می‌دانند هرچند مفسران در تفسیر بیشتر آیات با تلاش علمی و تدبر و تبیین و توضیح مناسب، مرتبه‌ای از معانی و معارف قرآن را آشکار کرده‌اند، اما هیچ مفسری تا کنون نتوانسته است همه معانی و معارف قرآن را آشکار کند و مراتب ناشناخته آن هنوز هم بسیار است. در روایتی از امام باقر(ع) آمده که فرموده است: «ما يستطيع احد ان يدعي ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الاوصياء (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱/ ۲۸۶)؛ هیچ‌کس غیر از اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن، در نزد اوست.»

افزون بر این، موارد بسیار زیادی وجود دارد که حتی مفسران قوی در بیان معنای آیات اختلاف کرده‌اند و در تفسیر بسیاری از آیات با ذکر وجوه و اقوال مختلف گذشته، حداکثر بعضی از وجوه را براساس حدس و گمان و بدون مستند معتبری بر وجوه دیگر ترجیح داده‌اند. با توجه به این نکته پی می‌بریم که افراد عادی هر چند از رتبه علمی بالایی برخوردار باشند، توان تفسیر همه معانی و معارف قرآن را ندارند و برای تحقق اهداف قرآن کریم به مفسرانی نیاز است که از دانشی ویژه، فوق دانشی که از طریق عادی برای بشر قابل تحصیل است، برخوردار باشند و توان فهم و تفسیر همه معانی و معارف قرآن کریم را داشته و برگزیده خدا و معرفی شده رسول خدا باشند تا معانی واقعی قرآن از طریق تفسیر آنان به دست آید و در موارد اختلاف با اطمینان خاطر به بیان آنان اعتماد شود. با توجه به اینکه در قرآن احکام دین به صورت کلی و سر بسته بیان شده و کیفیت و جزئیات آن بیان نشده است و بر حسب روایات متواتر مورد اتفاق شیعه و سنی، در قرآن کریم معارف باطنی و عمیقی نهفته است که از طریق عادی و با روش معمول عقلا در فهم متون قابل درک نیست، نیاز به آن مفسران برگزیده و ضرورت وجود آنان آشکارتر می‌شود. بنابراین،

حکمت خدای متعال اقتضا می‌کند که برای هر عصری مفسری آگاه به همه احکام و معارف قرآن و توانا بر تفسیر همه معانی ظاهر و باطن آن برگزیند و آنان را به وسیله پیامبرش به انسانها معرفی کند، زیرا در غیر این صورت غرض خدای متعال از نزول قرآن به طور کامل تحقق نمی‌یابد و نقض غرض بر خدای حکیم محال است. البته استفاده کامل انسانها از آن مفسر برگزیده و یا دسترسی به او به نوع رفتار انسانها بستگی دارد، اگر آن مفسر حاضر باشد و انسانها به او مراجعه نکنند و یا افراد ظالم مانع استفاده از او شوند و یا اعمال انسانها و یا علل دیگری که به خود انسانها بر می‌گردد مانع حضور و ظهور آن مفسر شود، این نقض غرض از جانب خدا نیست که با حکمت او ناسازگار باشد.

با این بیان پی می‌بریم که وجود چنین مفسرانی در هر زمان حتمی است و بر اهل ایمان و معتقدان به قرآن لازم است که آنها را بشناسند و از طریق آنان به کیفیت و جزئیات احکام قرآن و معانی باطنی و غیر آشکار آن آگاهی یابند. با رجوع به نصوص امامت (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۲۲۶/۳۶-۳۷؛ بخاری، صحیح البخاری ۱۴۰۶: ۱۲۷/۸؛ نیشابوری، صحیح مسلم بی تا: ۶/۳، ۴؛ ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل بی تا: ۸۶/۵-۹۰، ۹۲-۹۴، ۹۷-۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸؛ سجستانی، سنن ابی داود ۱۴۱۰: ۳۰۹/۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین بی تا: ۶۱۸/۳/۶۱۷) معلوم می‌شود که بعد از رسول خدا(ص) مفسران برگزیده همان دوازده نفری هستند که پیامبر(ص) به فرمان باری تعالی آنان را جانشین خود قرار داده و به امت معرفی کرده است و یکی از ابعاد جانشینی آنان از رسول خدا(ص) تبیین و تفسیر قرآن است.

### ب) حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که در بسیاری از کتابهای روایی و تفسیری شیعه و سنی آمده<sup>(۱)</sup> و

سند آن متواتر و صدور آن از پیامبر(ص) قطعی است، با عبارتهای مختلف نقل شده و سر آن این است که پیامبر اکرم(ص) در مکانهای مختلف و در موارد متعدد با عبارتهای مختلف محتوای این حدیث را به امت گوشزد کرده است. یکی از عبارتهای آن چنین است:

«انی تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا كتاب الله و عترتي اهل بيته و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (حرعاملی، وسائل الشیعة ۱۳۷۶: ۱۹/۱۸، حدیث ۹؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعة ۱۳۹۹: ۲۰۰/۱، حدیث ۳۰۲؛ حرعاملی، اثبات الهداة بی تا: ۶۰۸/۱، حدیث ۵۹۹)؛ همانا من در میان شما دو چیز گران قدر می‌گذارم که اگر به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، و به راستی آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.<sup>(۲)</sup>

جمله «انهما لن يفترقا...» به مثابه دو گزاره است: ۱. آنان از قرآن جدا نمی‌شوند. ۲. قرآن از آنان جدا نمی‌شود. از این دو گزاره، دو ویژگی برای اهل بیت و عترتی که در این حدیث منظور است، استفاده می‌شود: ۱. آگاه بودن آنان به همه معانی و معارف قرآن؛ زیرا جدا نشدن قرآن از آنان به این است که قرآن با همه معانی و معارف در نزد آنها باشد؛ اگر قسمتی از معارف آن را ندانند، آن قسمت از آنان جدا شده است و حال آنکه پیامبر(ص) جدایی قرآن از آنان را نفی کرده است.

۲. مصونیت آنان از هوا و خطا؛ زیرا جدا نشدن آنان از قرآن به این است که دانش، اندیشه و رفتار آنان به تمامی مطابق قرآن باشد و این مستلزم مصونیت آنان از هوا و خطاست زیرا اگر جز این باشد، جدا نشدن آنان از قرآن تحقق نمی‌یابد. این ویژگی از جمله «ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً» نیز به دست می‌آید؛ زیرا اگر عترت از هوا و خطا مصون نباشند، تمسک به آنان بازدارنده از گمراهی نخواهد بود.

با توجه به اینکه همه اهل بیت و عترت رسول خدا(ص) دارای این دو ویژگی نیستند، معلوم می شود که مراد از عترت و اهل بیت در این حدیث، مطلق کسانی که از نظر عرفی و بر حسب معنای لغوی عترت و اهل بیت آن حضرت به شمار می آیند نیست، بلکه افراد خاصی که دارای ویژگی های یادشده باشند، منظور است و آن افراد را باید از طریق معرفی رسول خدا(ص) شناخت. در شماری از روایات، آن افراد همان دوازده امام معصوم معرفی شده اند؛ (جوینی، فرائد السمطين ۱۳۹۸: ۱/۳۱۲-۳۱۸؛ حرعاملی، اثبات الهداة بی تا: ۱/۴۸۹ حدیث ۱۶۶، ۴۹۹ حدیث ۲۰۸، ۵۰۸-۵۰۹ حدیث ۲۲۷-۲۲۸؛ صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۹۰) باب معنی الثقلین، العتره، حدیث ۴؛ قندوزی، ینابیع الموده ۱۳۸۵: ۸۵/۲؛ صدوق، کمال الدین بی تا: ۱/۲۴۰، ب ۲۲، حدیث ۶۴؛ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع) ۱۴۰۴: ۶۰/۲، ب ۶، حدیث ۲۵؛ مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳: ۱۴۷/۲۳، حدیث ۱۱۰).

از این رو، می توان گفت: حدیث ثقلین یکی از دلایل حقایق این اعتقاد شیعه است؛ زیرا به خوبی دلالت دارد که دوازده نفر از اهل بیت خاص پیامبر(ص) به همه معانی قرآن آگاه و از گناه و خطا مصون بوده اند و پیامبر(ص) تمسک به آنان را همراه با تمسک به قرآن شرط مصون ماندن از گمراهی بیان فرموده اند. و با توجه به اینکه سخن و بیان پیامبر(ص) بدون اذن خدا نیست: «وما ینطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی» (نجم: ۳-۴). می توان آنان را مفسران برگزیده خدا برای قرآن کریم دانست.

### ج) روایات صریح

روایات دیگری نیز با صراحت دلالت دارد که دوازده امام یاد شده مفسران برگزیده خدا و معرفی شده رسول خدا(ص) بوده اند. برخی از آن روایات در خصوص حضرت علی(ع) و برخی در مورد همه دوازده امام است.

روایات مخصوص حضرت علی(ع) نیز بر دو دسته است: برخی بیانگر آن است که آن حضرت برگزیده خدا بوده است و برخی حاکی از آن است که رسول خدا(ص) آن حضرت را به عنوان مفسر و مبیین قرآن و کسی که به ظاهر و باطن و محکم و متشابه قرآن آگاه است، به امت معرفی کرده و آنان را برای فراگیری علم قرآن به او ارجاع داده است. در اینجا برخی از روایاتی را می‌آوریم که دلالت دارد آن حضرت مفسر برگزیده خدا بوده است.

صدوق(ره) با سند متصل از امام رضا(ع) از پدرانش، از پیامبر، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از خدای متعال چنین روایت کرده است: «انا الله لا اله الا انا، خلقت الخلق بقدرتی فاخترت منهم من شئت من انبیائی و اخترت من جمیعهم محمداً حبیباً و خلیلاً و صفیاً فبعثته رسولاً الی خلقی و اصطفیت له علیاً فجعلته له اخاً و وصیاً و وزیراً و مؤدیاً عنه بعده الی خلقی و خلیفتی علی عبادی لیبین لهم کتابی... (صدوق، الامالی ۱۴۱۷: ۲۹۱، مجلس، ۸۹، حدیث ۱۰؛ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع) ۱۴۰۴: ۵۳/۱؛ حویزی، نورالثقلین ۱۴۱۲: ۴۲۵/۱؛ مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳: ۹۸/۳۸، حدیث ۱۷)؛ من الله هستم که معبودی جز من نیست؛ آفریدگان را به قدرت خویش آفریدم و هر کس از پیامبرانم را که خواستم از میان آنان اختیار کردم و از جمیع آنان محمد را به عنوان حبیب و خلیل و صفی برگزیدم و او را با عنوان رسول به سوی خلقم مبعوث کردم و علی را برای او برگزیدم و او را برادر، وصی و وزیر او و پیام رسان او به مردم بعد از او و خلیفه خود بر بندگانم قرار دادم تا کتابم را برای آنان تبیین کند...».

در ضمن حدیثی که بیانگر پرسشهای خدای متعال از پیامبر(ص) در صحنه قیامت است، آمده است:

«فیقول الله لمحمد فهل استخلفت فی أمتک من بعدک من یقوم فیهم بحکمتی و



علمی و مفسر لهم کتابی و بین لهم ما یختلفون فیہ من بعدک حجة لی و خلیفة فی الارض؟ فیقول محمد: نعم، یا رب قد خلفت فیهم علی بن ابی طالب أخی و وزیر و خیر امتی و نصبته لهم علماً فی حیاتی و دعوتهم إلی طاعته و جعلته خلیفتی فی امتی» (قمی، تفسیر القمی ۱۴۰۴: ۱/ ۱۹۲-۱۹۳؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۷/ ۲۸۲)؛

خدا به محمد(ص) می‌فرماید: آیا در امت خود کسی را جانشین کردی که پس از تو حکمت و علم را در بین آنان بر پا و کتابم را برای آنان تفسیر کند و آنچه را بعد از تو در آن اختلاف می‌کنند به عنوان حجت و خلیفه من در زمین برای آنان تبیین نماید؟ محمد(ص) می‌فرماید: آری، ای پروردگار من، علی بن ابی طالب برادر، وزیر، وصی و بهترین امتم را در بین آنان جانشین کردم.»

اما نمونه‌ای از روایاتی که دلالت می‌کنند پیامبر اکرم(ص) حضرت علی(ع) را به عنوان مبین و مفسر قرآن و آگاه به ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن به امت معرفی کرده، چنین است:

از رسول خدا(ص) روایت شده است:

ای گروه‌های مردم، در قرآن تدبر کنید و آیات آن را بفهمید؛ به محکمت آن نظر کنید و از متشابه آن پیروی نکنید؛ به خدا سوگند فقط کسی نواهی آن را برای شما تبیین می‌کند و تفسیر آن را برای شما روشن می‌سازد که من دستش را گرفته‌ام و او را به نزد خود بالا آورده‌ام و بازویش را بالا گرفته به شما اعلام می‌کنم که هر کس من مولای اویم، او نیز مولای اوست و او علی بن ابی‌طالب برادر و وصی من است.» (طبرسی، الاحتجاج ۱۳۸۶: ۱/ ۷۵؛ سید بن طاووس، التحصین ۱۴۱۳: ۵۹۳؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۳۷/ ۲۰۹).

در حدیثی دیگر از آن حضرت چنین آمده است:

«فمن عمی علیه من علمه شیئی لم یکن علمه منی و لاسمعه فعلیه بعلی بن

أبي طالب(ع) فانه قد علم كما قد علمته ظاهره و باطنه و محكمه و متشابهه (مجلسی، همان: ۲۶۰/۲-۳۱۶/۲۲؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه ۱۳۹۹: ۱/۴۸۴) هر کس چیزی از دانش قرآن که از من نیاموخته و نشنیده است، بر او پوشیده شود، باید به علی بن ابی طالب(ع) رجوع کند؛ زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می دانم، می داند.»

در کلام دیگری از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «ان الله - عزوجل - انزل علی القرآن و هو الذی من خالقه ضل و من ابتغی علمه عند غیر علی هلك (صدوق، الامالی ۱۴۱۷: ۱۲۲، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱؛ سید بن طاووس، التحصین ۱۴۱۳: ۵۹۹؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۳۸/۹۴، حدیث ۱۰)؛ به راستی خدای - عزوجل - قرآن را بر من نازل کرده است و آن چیزی است که هر کس با آن مخالفت کند، گمراه شده و هر کس علم آن را نزد غیر علی(ع) طلب نماید، هلاک شده است.»

اما نمونه روایاتی که دلالت می کنند خدای متعال همه دوازده امام معصوم را مفسران وحی خود قرار داده و آنان مفسران برگزیده خدا هستند، چنین است: در روایتی طولانی از رسول خدا(ص) چنین آمده است:

«... الا و ان الله نظر نظرة ثانية فاختار بعدنا اثني عشر وصياً من اهل بيتي فجعلهم خيار امتي واحداً بعد واحد مثل النجوم في السماء، كلما غاب نجم طلع نجم هم ائمة هداة مهتدون... خزان علمه و تراجمه و حیه(سلیم بن قیس بی تا: ۳۰۸؛ مجلسی، همان: ۲۲/۱۴۹ - ۱۵۰)؛ توجه! همانا خداوند بار دوم نظر کرد و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیتم را برگزید. پس آنان را برگزیدگان امتم یکی پس از دیگری قرار داد مانند ستارگان در آسمان که هرگاه ستاره ای پنهان شود، ستاره ای طلوع می کند. آنان امامان هدایت کننده هدایت یافته اند...؛ خزینه داران علم خدا و تفسیرکنندگان وحی اویند...»

از امام علی(ع)، ضمن روایتی طولانی در توصیف گروهی از مسلمانان که هدایت یافته و اهل نجات‌اند، چنین نقل شده است: «و استیقنت یقیناً لا یخالطه شک إنی أنا و اوصیائی بعدی الی یوم القیمة هداة مهتدون الذین، قرنهم الله بنفسه و نبیه فی آی من کتاب الله کثیرة، و طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجه فی ارضه و خزانه علی علمه و معادن حکمته و تراجمه و حیه و جعلنا مع القرآن و القرآن معنا لانفارقه و لا یفارقنا حتی نرد علی رسول الله(ص) حوضه (سلیم بن قیس بی تا: ۱۶۹؛ مجلسی، همان: ۱۵/۲۸)؛ (آن گروه هدایت یافته) یقین دارند، یقینی که هیچ شکی به آن آمیخته نیست، که من و اوصیای من بعد از من هدایت کنندگان هدایت یافته‌اند؛ کسانی هستند که خدا آنان را در آیه‌های فراوانی از کتابش قرین خود و پیامبرش قرار داده است؛ و ما را (از هر گناه و خطا) پاکیزه و مصون ساخته و گواهان بر خلقش، حجتش در زمینش، خزانه‌داران علمش، معدنهای حکمتش و مترجمان وحیش قرار داده است. ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده (به گونه‌ای که) از قرآن جدا نمی‌شویم و (قرآن نیز) از ما جدا نمی‌شود تا بر رسول خدا(ص) در کنار حوض آن حضرت وارد شویم...»

از امام باقر(ع) نیز روایت شده است: «همانا خداوند متعال چهارده‌هزار سال پیش از خلقت آدم(ع) چهارده نور را از نور عظمت خود آفرید و آن روحهای ماست. گفتند: ای پسر رسول خدا، آن چهارده نور چه کسانی هستند؟ نام آنان را بیان کن. فرمود: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان حسین و نهمین آنان قائم آنان است... به راستی خدای متعال ما را آفرید، پس خلقت ما را نیکو قرار داد... و ما را چشم خود بر بندگانش... و خزینه‌داران علم خود و مترجمان وحی‌اش قرار داد. (حلی، المحتضر ۱۴۲۴: ۱۲۹؛ مجلسی، همان: ۴/۲۵ - ۵).

از ابو خالد قماط روایت کرده‌اند: از امام صادق(ع) پرسیدم: منزلت شما از جانب پروردگارتان چیست؟ فرمود:

«حجته علی خلقه... و تراجمه وحیه (صفار، بصائر الدرجات ۱۴۰۴: ۸۲؛ مجلسی، همان: ۲۴۸/۲۶، حدیث ۱۷)؛ حجت خدا بر خلق او... و مترجمان وحی او هستیم.»  
این گونه روایات فراوان است<sup>(۳)</sup> و افزون بر اینکه از کثرت آنها اطمینان به صدور آنها حاصل می‌شود، سند بعضی از آنها نیز معتبر است مثلاً: حدیثی که بیانگر پرسشهای خداوند متعال از پیامبر(ص) در صحنه قیامت است، راویان سند آن در تفسیر القمی: ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب، محمد بن نعمان و ضریس‌اند که همه ثقه‌اند هستند (ر.ک: تجلیل، معجم الثقات ۱۴۰۴: ۵، رقم ۳۰، ص ۳۷ رقم ۲۳۱، ص ۶۵ رقم ۴۲۷، ص ۱۱۳ رقم ۷۵۹).

روایت ابو خالد قماط را نیز محمد بن حسن صفار از ابراهیم بن اسحاق و او از عبدالله بن حماد و او نیز از قماط نقل کرده است. وثاقت صفار، مؤلف کتاب بصائر الدرجات، روشن است. ابراهیم بن اسحاق نیز ظاهراً همان ابراهیم بن اسحاقی است که شیخ طوسی او را از اصحاب امام هادی(ع) به شمار آورده و با کلمه «ثقه» بر وثاقتش گواهی داده است (طوسی، رجال الطوسی ۱۳۸۰: ۴۰۹). عبدالله بن حماد نیز عبدالله بن حماد انصاری است که نجاشی با عبارت «من شیوخ أصحابنا» به عظمت او اشاره کرده است (نجاشی، رجال النجاشی بی تا: ۱۵۱). ابو خالد قماط نیز یزید قماط است که نجاشی او را توثیق کرده است (نجاشی، همان: ۳۱۴). بنابراین، سند این روایت نیز معتبر و قابل اعتماد است.

## ۲. گستره دانش تفسیری مفسران برگزیده خدا بعد از پیامبر(ص)

اختلافی وجود ندارد که امیرمؤمنان(ع) مفسر قرآن بوده و قرآن را تفسیر می‌کرده است. و تفسیرهای فراوانی نیز از وی در کتابهای شیعه و سنی نقل شده است.

ابن کثیر با چند سند روایت کرده است که امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) در بالای منبر

کوفه فرمود: درباره هر آیه‌ای از کتاب خدا و هر سستی از رسول خدا(ص) از من پرسید شما را به آن آگاه می‌کنم. ابن کواء برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین، معنای «والذاریات ذرواً» چیست؟ فرمود: باد است. گفت: «والحاملات و قرأ» (معنایش چیست)؟ فرمود: ابر است. گفت: «فالجاریات یسراً»؟ فرمود: کشتیهاست. گفت: «فالمقسمات امرأ»؟ فرمود: فرشتگان است (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ۱۴۱۵: ۴/۲۴۸).

از ابن عباس نقل شده که (امام) علی(ع) به من فرمود: وقتی نماز عشاء را به‌جا آوردی در صحرا به نزد من آی. نماز خواندم و به محضر آن حضرت رسیدم. شبی مهتابی بود. به من فرمود: تفسیر «الف» «الحمد» و همه «الحمد» چیست؟ چیزی نمی‌دانستم که پاسخ دهم. پس یک ساعت تمام در تفسیر آن سخن گفتم. بعد فرمود، تفسیر «لام» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. در تفسیر آن نیز یک ساعت تمام سخن گفتم. سپس فرمود: تفسیر «حاء» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. در تفسیر آن هم یک ساعت تمام سخن گفتم. بعد فرمود تفسیر «میم» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. پس در تفسیر آن تا سپیده‌دم سخن گفتم و به من فرمود: ابن عباس برخیز و به منزلت برو و برای فریضه‌ات مهیا شو. ابن عباس می‌گوید: برخاستم، در حالی که همه آنچه را فرموده بودم فرا گرفته بودم. سپس با خود اندیشیدم در این هنگام علم خود را به قرآن در برابر علم علی(ع) مانند قراره (آبی که در دیگ بریزند تا طعام ته دیگ نسوزد) در برابر متعجّر (وسط دریا) یافتم (مجلسی، همان: ۱۰۵/۹۲).

گاهی نیز آن حضرت با قراردادن برخی آیات در کنار آیات دیگر، نکته‌ای را استنباط می‌کرد که دیگران از فهم آن ناتوان بودند. به عنوان نمونه روایت کرده‌اند که آن حضرت از آیه «... و حمله و فصاله ثلثون شهراً...» با در نظر گرفتن آیه «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین» استنباط کرد که دوران بارداری زن می‌تواند شش ماه باشد و با این استنباط زنی را که شش ماه پس از ازدواج بچه

آورده و محکوم به کیفر زنا شده بود تبرئه کرد (حویزی، نورالتقلین ۱۴۱۲: ۵/۱۴، حدیث ۹).

سایر مفسران برگزیده خدا نیز هرچند موانع و مشکلاتی برای بروز و نشر علم آنان وجود داشته، ولی به مقداری که زمینه برایشان فراهم بوده آیات قرآن را تفسیر می‌کرده‌اند.

- در تفسیر آیه «و شاهد و مشهود» (بروج: ۳) از امام حسن (ع) روایت شده است که فرمود: شاهد محمد (ص) و مشهود روز قیامت است. آیا نشنیده‌ای که خدای سبحان می‌فرماید: «يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵) و فرموده است: «ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ» (هود: ۱۰۳) (نک: طبرسی، مجمع البیان ۱۴۱۵: ۴۶۶/۵-۴۶۷).

در تفسیر «اللَّهُ الصَّمَدُ» از امام حسین (ع) روایت شده است که فرمود: «الصَّمَدُ الَّذِي لَاجُوفٍ لَهُ، وَالصَّمَدُ الَّذِي قَدْ انْتَهَى سُودَتَهُ وَالصَّمَدُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَالصَّمَدُ الَّذِي لَا يَنَامُ وَالصَّمَدُ الدَّائِمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ (صدوق، التوحيد بی تا: ۹۰)؛ صمد کسی است که میان تهی نیست و صمد کسی است که آقایی اش به نهایت رسیده است صمد کسی است که نمی‌خورد و نمی‌آشامد و صمد کسی است که نمی‌خوابد و صمد آن هستی دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود.»

تفسیر «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا» (بقره: ۲۲) از امام سجاد (ع) (همان: ۴۰۴)، تفسیر «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» (نساء: ۱۰۱). از امام باقر (ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۲: ۳۱۵/۲)، تفسیر «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ» (حدید: ۳) از امام صادق (ع) (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱/۱۶۹)، تأویل «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) از امام

کاظم(ع) (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳: ۲۴/۱۰۰ و ۱۵۱/۵۱)، تفسیر «وجاء ربك و الملك صفا صفا» (فجر: ۲۲) از امام رضا(ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۲: ۸/۲۸۲) تفسیر «وما أهل بهی لغير الله» و فرازهای دیگری از آیه ۱۷۳ سوره بقره، از امام جواد(ع) (صدوق، من لایحضره الفقیه ۱۴۱۳: ۳/۲۱۶ - ۲۱۷)؛ (طوسی، تهذیب الاحکام ۱۳۶۵: ۹/۸۳)؛ تفسیر «فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فستل الذین یقرءون الکتب من قبلک» (یونس: ۹۴) از امام هادی(ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن: ۴/۵۴) تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد: ۶) از امام حسن عسکری(ع) (صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۳۳) و تفسیر «فاخلع نعلیک إنک بالواد المقدس طوی» (طه: ۱۲) از امام زمان(ع) (صدوق، کمالالدین بی تا: ۲/۲۶) و نمونه‌ای از تأویل و تفسیرهای سایر مفسران برگزیده خداست. تفسیر و تأویلهای فراوانی از آن بزرگواران به خصوص امام صادق، امام علی، و امام رضا(ع) رسیده است که در این مقاله نمی‌توان حتی به مصادر آنها اشاره کرد.

از خبری که در آغاز تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) نقل شده است به دست می‌آید که امام حسن عسکری(ع) مدت هفت سال هر روز به دو نفر از شیعیان خود به نامهای ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار تفسیر قرآن تعلیم می‌داده و امام صادق(ع) نیز به همین مقدار به یکی از اصحابش تفسیر آموخته است. (عسکری(ع)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری ۱۴۰۹: ۱۷-۱۳).

البته باید توجه داشت، تفسیر و تأویلهایی که در کتابهای تفسیری و روایی از آن بزرگواران نقل شده، بخشی از تفسیر و تأویلهای آنان است و بخش عظیمی از آثار تفسیری آنان به دست ما نرسیده است. مصحف امام علی(ع) که مشتمل بر تفسیر و تأویلهای تلقی شده از رسول خدا(ص) بوده است (نک: بابایی، مکاتب

تفسیری ۱۳۸۱: ۵۹-۶۳)، کتاب الباقر(ع) که ابن ندیم در صدر کتابهایی که در تفسیر قرآن تألیف شده از آن خبر داده است (نک همان: ۱۰۰-۱۰۲) و تفسیری ۱۲۰ جلدی به املائی امام هادی(ع) یا امام عسکری(ع) که ابن شهر آشوب در شرح حال حسن بن خالد برقی به آن اشاره کرده است (نک: همان: ۹۸-۱۰۰)، نمونه‌هایی از آن آثار تفسیری نرسیده به دست ماست. با نگاهی دقیق‌تر باید گفت، نسبت تفسیرهای آنان با آنچه از آنان نقل شده، عموم و خصوص من وجه است، زیرا بخش عظیمی از تفسیرهای آنان به ما نرسیده و بخشی از آنچه از آنان نقل شده سند معتبری ندارد و قطعی و محرز نیست که از تفسیرهای آنان باشد. ولی با این حال، در بین آثار تفسیری نقل شده از آنان تفسیرهای عمیق و دقیقی دیده می‌شود و با توجه به آثار تفسیری نقل شده از آنان پی می‌بریم که در ابعاد و زمینه‌های مختلفی تفسیر را تعمیق و توسعه می‌داده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تفصیل معارف و احکام، تبیین تاریخ امم پیشین، بیان تأویل و رموز آیات اشاره کرد.

نکته دیگری که نباید از آن غفلت شود این است که دانش و توان تفسیری آنان از آثار تفسیری نقل شده از آنان و حتی از تفسیرهایی که بیان کرده‌اند و به ما نرسیده است، بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر بوده است. زیرا افرادی که توان تحمل دانش آنان را داشته باشند نمی‌یافته‌اند و زمینه برای تعلیم و نشر دانشهای عمیق و دقیق آنان فراهم نبوده است. شاهد بر این مدعا، افزون بر روایاتی که از گستره و عمق معانی و معارف قرآن کریم و علم آنان به همه آن خبر می‌دهد<sup>(۴)</sup> برخی از روایاتی است که با صراحت از فراهم نبودن چنین زمینه‌ای خبر می‌دهد. به عنوان نمونه از امام باقر(ع) روایت شده که پس از بیان برخی از رموز و دقائق معنای «الصمد» فرمود:

«لو وجدت لعلمی الذی آتانی الله عزوجل حملة لنشرت التوحید و الاسلام و الایمان و الذین و الشرایع من الصمد. و کیف لی بذلک و لم یجد جدی امیرالمؤمنین(ع) حملة لعلمه حتی کان یتنفس الصعداء، و یقول علی المنبر سلونی قبل ان تفقدونی فان



بین الجوانح منی علما جما، هاه، هاه الا الا اجد من یحمله...» (مجلسی، همان: ۳/ ۲۲۵)؛ اگر برای دانشی که خدای عزوجل به من عطا فرموده حاملانی می‌یافتم، توحید، اسلام، ایمان، دین و همه احکام شرعی را از «الصمد» استنباط و منتشر می‌کردم. چگونه برای من چنین چیزی باشد و حال آن که جدم امیرمؤمنان(ع) نیز حاملانی برای علمش نیافت تا اینکه آه عمیقی کشید و بر روی منبر می‌گفت: پیش از آنکه مرا نیابید از من پرسید. به راستی در سینه من دانش فراوانی است. افسوس! افسوس! کسی که بتواند آن را فرا گیرد، نمی‌یابم!»

### نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم پس از رسول خدا(ص) دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت مفسران برگزیده خدا هستند و هر معنایی را که برای آیات بیان کنند حق و عیناً همان معنایی است که خدای متعال از آیات اراده فرموده است. دیگران حتی صحابه و تابعین همه معانی قرآن را نمی‌دانند، ولی ایشان به همه معانی قرآن آگاه هستند. دیگران در معنایی که بیان می‌کنند ممکن است خطا کنند، ولی آنان از خطا مصون هستند. بنابراین، برای پی بردن به معانی عمیق و پنهان قرآن باید به آنان رجوع کرد و از آثار تفسیری آنان بهره برد. روایات تفسیری فراوانی از آنان به ما رسیده است. اما باید توجه داشت که بخش عظیمی از تفسیرهای ایشان به ما نرسیده است و بخشی از آنچه به ما رسیده است نیز سند معتبر ندارد و حتی احتمال ساختگی بودن و تحریف برخی از روایات نقل شده از آنان منتفی نیست. از این رو، در بهره‌گیری از آثار تفسیری آنان باید دقت کرد و آثار واقعی آنان را از غیر آنها شناخت.

## پی‌نوشت‌ها

(۱). در کتاب کتاب الله و اهل البيت في حديث الثقلين که حدیث ثقلین از صحاح، سنن، مسانید و سایر مصادر اهل تسنن جمع‌آوری شده، متن حدیث ثقلین از بیش از ۱۶۰ کتاب اهل تسنن نقل شده است. برای آگاهی از نام آن کتابها به پانوشتهای کتاب یاد شده و فهرست مصادر آن رجوع شود

(۲). این حدیث را با عبارتهای دیگر در کتب ذیل بنگرید:

ترمذی، سنن الترمذی: ۵/۶۲۱، حدیث ۳۷۶۸ و ص ۶۲۲ حدیث ۳۷۸۸؛ ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل: ۳/۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹، ۱۸۱/۵؛ ابویعلی، مسند ابی یعلی ۱۴۱۰: ۲/۲۹۷، حدیث ۴۸؛ ابن کثیر، البداية و النهایة بی‌تا: ۵/۱۸۴؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ۱۴۱۵: ۱۹/۱۳۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری ۱۴۰۵: ۲/۱۹۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین بی‌تا: ۲۳۴، باب ۲۲، احادیث ۴۴ - ۶۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف ۱۴۰۹: ۱۷/۴) و بسیاری از کتابهای دیگر.

(۳). برای اطلاع از نمونه‌های دیگری از این دسته از روایات. ر.ک: مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۲۴/۲۵، ۵/۱۲، ۲۶۲/۲۶، ۲۰۶/۹۷، عاملی، الصراط المستقیم ۱۳۸۴: ۱/۳۰۲؛ حلی، العدد القویة ۱۴۰۸: ۱۷۴؛ صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۳۵).

(۴). یکی از روایات روایتی است که کلینی (ره) با سند صحیح از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «کتاب الله نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و فصل ما بینکم و نحن نعلمه» (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱/۱۱۳، باب الرد الی الکتاب و السنه، حدیث ۹؛ برای دیدن نمونه‌های دیگری از آن روایات ر.ک: همان، احادیث ۷، ۶، ۵، ۲، ۱، ج ۲، ص ۵۷۴، کتاب فضل القرآن، حدیث ۳).

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النہایة، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۶. ابو یعلی، احمد بن علی، مسند ابو یعلی، بیروت، دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۰ ق.
۷. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، تهران، سمت، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۹ ق.
۱۱. تجلیل، ابوطالب، معجم الثقات، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۰۴ ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بی جا، دارالفکر، بی تا.
۱۳. جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ق.

۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة،

بی تا.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، المطبعة العلمية، بی تا.

۱۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۶.

۱۷. حلی، حسن بن سلیمان، المحتضر، بی جا، المکتبه الحیدریه، ۱۴۲۴ق.

۱۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویة، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۸ق.

۱۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.

۲۰. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، بیروت، مؤسسه الأعلمی، بی تا.

۲۱. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

۲۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۴. سید بن طاووس، علی، التحصین، قم، دار الکتب، ۱۴۱۳ق.

۲۵. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام،

تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۸.


۲۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، بیروت، دار

ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.

۲۷. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.

۲۸. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۲۹. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا(ع)، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسین، بی تا.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۳۳. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، طهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳۴. طبرسی، احمد بن أبی طالب، الاحتجاج، النجف الاشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، النجف الاشرف، منشورات المكتبة والمطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
۳۸. عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، بی جا، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۴.
۳۹. عسکری، امام حسن(ع)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری(ع)، قم، مدرسته الامام المهدي(ع)، ۱۴۰۹ق.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.

۴۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، مؤسسة دار الکتابة، ۱۴۰۴ق.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۴۳. لجنة التحقيق في مسألة الامامة، مدرسة الامام باقر العلوم (ع)، کتاب الله و اهل البيت في حديث الثقلين، قم، دليل ما، ۱۴۲۲ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مکتبة الداوری، بی تا.
۴۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی